

# مدرست شهری

شماره ۳۹ تابستان ۹۴

No.39 Summer 2015

۳۵-۵۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۲/۰۵

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۲۴

## آرمان آرمانشهری در شهرهای آرمانی شیعی

محمد هادی ادیب خواه\* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه ازاد اسلامی، تهران، ایران.

### Utopian ideal of utopian Shi'ite cities

#### Abstract

Utopia and idealism in history have had the importance of learning; Utopia in view of the universal manifestation of the wishes and aspirations of human to their aspirations and dreams in the social structure of the city to bring objectivity. Accordingly, each scholar in the field of critical thought, the features and characteristics of Utopia is examined from a particular perspective; Thoughtful and critical thinking and the requirements of historical, social and cultural expression and to determine the characteristics and even the type of approach to the concept of the ideal effect; And so that different approaches in dealing with this issue has attracted the human mind. The research is descriptive and analytical study of Data library studies and documentary method is used. The results show that the Western utopia Find all aspects of the material world and more fully in a position of "Plato's Cave" are. In this analogy, the emergence of mind from the lower to the higher line, progress is the recognition of pension and mind during the development of the knowledge gained enough knowledge is inadequate; The Iranian utopia, a utopia that is dependent on the Shi'i Islamic ideal and utopia Mahdavi that its characteristics are mentioned in detail.

**Keywords:** Vision, Utopia, utopian theories, Shiite utopia, utopia Mahdavi.

#### چکیده

آرمانشهرها و آرمان گرایی در طول تاریخ از اهمیت فراگیری برخوردار بوده‌اند؛ چنانچه آرمانشهر در دیدگاهی جهان‌شمول، جلوه‌ای از خواستها و آرمانهای بشری است تا بتواند تمدنیات و رویاهای خوبی را در ساختار اجتماعی و کالبدی شهر به عینیت برساند. بر همین اساس است که هر اندیشمند بر حسب حوزه اندیشه انتقادی خود، ویژگیها و شاخه‌های آرمانشهر را از دیدگاهی خاص مورد ارزیابی قرار داده است. راست است که اندیشه متفکر و نقاد، و شرایط و مقتضیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، در بیان و تعیین ویژگیها و حتی نوع رویکرد به مفاهیم شهر آرمانی تأثیر دارد؛ و این چنین است که رویکردهای متفاوتی در برخورد با این مقوله ذهن بشر را به خود مغطوف داشته است. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است که از ابزار گردآوری داده شامل مطالعات کتابخانه‌ای و روش اسنادی بهره برده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آرمانشهر غربی در جستجوی همه ابعاد در عالم مادی و بطور کامل تر در مقام مصدق «غار افلاطونی» است. در این تمثیل، عروج ذهن از بخش‌های پایین خط به بخش‌های بالاتر، پیشرفته شناخت شناسی است و ذهن در جریان مستمری از تکامل، از حالت شناخت نابستنده به شناخت کافی دست می‌یابد. همچنین آرمانشهر ایرانی، یک آرمانشهر شیعی است که واپسی به جامعه آرمانی اسلامی و مدینه فاضله مهدوی دارد که خصوصیات آن به تفصیل اشاره شده است. واگان کلیدی: آرمان، آرمانشهر، نظریه‌های آرمانشهری، آرمانشهر شیعی، مدینه فاضله مهدوی.

اگر بخواهد بهشتی بر روی زمین وجود داشته باشد، باید همه زمین را در برگیرد و اگر بخواهیم بار دیگر آن را یافته و از آن لذت ببریم، باید آن را کاملاً از نو بسازیم (فردیناند فریتز، ۱۹۹۳).

## ضایع کننده انرژی، استعداد و توانایی بشر دانستند.

این افراد، اصالت را به واقعیت موجود و آنچه من و شما داریم می‌بینیم و می‌شنویم و لمس می‌کنیم، دادند و به «رئالیستها» مشهور شدند. این دگرگونی در مفاهیم، در دیگر بخش‌های زندگی (چون هنر) نیز پدیدار شد و در تعریف «زیبایی شناسی» نیز ردپایی از خود به جا گذاشت. در جریان همین تغییرات، گروهی نیز، «ایده آل گرایی» را در جبهه روبه روی «عمل گرایی» یا همان «پرآگماتیسم» قراردادند و اصالت را به عمل دادند، نه به ایده. در این مقاله مفهوم آرمانی آرمانشهرها در تاریخ مورد ارزیابی قرار داده شده و بعد از ذکر مطالبی در رابطه با پیشینه، نظریه‌ها و موضوعات وابسته، در پایان ابعادی چند از آرمانشهر مهدوی بیان می‌شود.

## مواد و روشها

ماهیت این پژوهش «نظری» و دارای «رویکردی بنیادی» است؛ لذا در این گفتار تلاش می‌شود تا در رویکردی توصیفی- تحلیلی و با رجوع به منابع موجود و در دسترس و در روش گردآوری داده: مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی، به بررسی آرمانشهر در ایران و جهان پرداخته شود و در پایان شرایط آرمانشهر مهدوی بیان می‌گردد. روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی و تحلیلی» بوده که با روش فراتحلیل و روش استدلال منطقی همراه بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی بوده که از پیشینه منابع در دسترس و موجود با تأکید بر منابع حوزه دانش شهرسازی و معماری بهره برده است.

۱. برخی نام‌های دیگر این جامعه آرمانی در ادبیات ما و جهان، عبارت‌اند از: شهر آفتاب، جزیره خضراء، جابلقا، جابلسا، آتلانتیس (citnaltA)، شهر موعود، مدینه، اورفالیس، مدینه کامله، در عالم اسلام، فیلسوفانی چون: ابونصر فارابی (م ۹۳۳) در کتاب‌های: «سیاست مَدَنیَّة» و «آراء أهل المدينة الفاضلة» و «تحصیل السعادة» و ابن مُسکویه رازی (م ۱۲۴) در کتاب‌های: «جاویدان خرد» و «ترتیب السعادات» و ابن باجه اندلسی (م ۲۳۵) در کتاب: «تدبیر المتَّوَّح» و دکتر علی شریعتی در کتاب: «امّت و امامت»، به نظریه پردازی در این موضوع پرداخته اند.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۳۷

شد.<sup>۱</sup> پیشتر مفهوم‌های مشابهی از این واژه در آرای فلاسفه یونان باستان عرضه شده و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان «مدینه فاضله» یاد شده است.

<sup>۲</sup> «آرمان شهرخواهی» (به انگلیسی: utopianism) عبارت از دلبستگی به ایجاد یا خیال‌پردازی درباره یک نظام اجتماعی آرمانی است. از روزگار افلاطون تاکنون بسیاری از نویسنده‌گان طرح جامعه‌های آرمانی ریخته‌اند و همچنین بسیاری از گروه‌های دینی و بهبودخواهان سیاسی در اروپا کوشش‌هایی برای برپاکردن جامعه‌های آرمانی کرده‌اند. در «فرهنگ فارسی معین» آمده است: (ش) (امر). جامعه‌ای خیالی و آرمانی که در آن نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکم‌فرماست و از هرگونه شر و بدی از قبیل فقر و بدیختی عاری است و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوی و هوس رسته‌اند، مدینه فاضله، یوتوبیا.

<sup>۳</sup> «آرمان گرایی»: به طور کلی، اگر در حرکت به جلو و پیشرفت، هدف، رسیدن به هدفی کاملاً مطلوب، بی عیب و نقص و در برگیرنده تمام خواسته‌های بشری باشد، می‌توان آن را آرمان گرایی نامید. در این مسیر، باید با توجه به آرمان و غایت آرزو، به سنجش خود پرداخت. مدام با معیار هدف و در جهت تحقق آن، به ارزیابی فعل و انفعالات انجام گرفته، دست زد. بر این اساس، مبنا و ملاک موقّیت، میزان نزدیکی به هدف نهایی خواهد بود. مثلاً اگر هدف رسیدن به قله‌ایی است که تاکنون کسی آن را فتح نکرده، آرمان در این نهفته است که آن قله فتح شود، هر چند که محال یا بسیار سخت به نظر آید.

آرمان شهر، با نام‌های گوناگونی چون: مدینه فاضله، ناکجا آباد، شهر خدا، جامعه توحیدی و در اصطلاح

## ادبیات تحقیق

در ادامه در باب ریشه‌شناسی، به چند تعریف به اختصار اشاره می‌شود.

<sup>۴</sup> «آرمان»: در ادب فارسی، آرمان، در لغت به معنای آرزو و امّل و همچنین امید و رجا آمده است. در اصطلاح عوام، به خواسته‌ها، آرزوها و حالات روحی ای گفته می‌شود که دست نیافتند است و اگرهم امکان دست یافتن به آن باشد، گرفتاری‌های فراوان به همراه دارد.

<sup>۵</sup> «آرمان گرایی»: مفهومی است که می‌توان معانی گوناگونی برای آن متصور شد. عده‌ای می‌گویند تعابیری چون آرمان، سعادت، آزادی، اتوپیا وغیره قابل ادراک کامل نیست و نمی‌توان تعریفی جامع و مشترک (بین تمام علوم) از آن به دست آورد. در واقع، به نظر این گروه، به تعداد تعاریفی که از این مفاهیم ارائه می‌شود، امکان وجود تفاوت هم هست. لذا بحث از این مقولات را فردی، ذهنی و فضایی می‌دانند و از پرداختن به آن، خودداری می‌کنند؛ اما از دیدگاه دیگر، با دقّت نظر می‌توان به تعریفی رسید که حداقل‌های تعریف جامع را داشته و ریشه در مفاهیم و باورهای مذهبی، قومی و حتی گروهی داشته باشد.

<sup>۶</sup> «آرمان شهر»: اصل واژه utopia یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجا آباد» می‌باشد. اتوپیا Utopia واژه‌ای است مرکب از OU (او) یونانی به معنای «تفی» و کلمه TOPOS (توبوس) به معنای «مکان» می‌باشد؛ بنابراین از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» می‌باشد. آرمان شهر (در زبان‌های غربی utopia) برای نخستین بار توسط توماس مور در سال ۱۵۱۶ در کتابی به همان عنوان بکار گرفته

۱. این کتاب شرح زندگی مردم انگلستان در قرن ۶۱ است زیرا در این سالها انگلستان در گیر جنگ‌های متعددی بود و فقر و فساد و منازعات داخلی در انگلستان بیداد می‌کرد به طوری که در این سالها کمتر خانواده‌ای در انگلستان مشاهده می‌شد که تنی چند از خانواده خود را در این جنگها از دست نداده و یا به هر نحوی در گیر این اختلافات و درگیری‌ها نبوده باشد. از اینها گذشته عده‌ای از مردم انگلستان نیز در این سالها عادت کرده بودند که معاش خود را از راه اشتغال در مشاغل نظامی تامین نمایند و این عملاً به گستردگی شدن فضای نظامی در انگلستان بیشتر کمک می‌کرد. لذا مور برای تسکین آلام مردم انگلستان به نوشتن کتاب اتوپی روی آورد و ضمن تشریح وضعیت نابسامان این کشور و گله و شکایت از آن «رافائل هیتلدئو» را شخصی می‌داند که در هنگام دریانوردی موفق به کشف جزیره اتوپی می‌شود.

این واژه برای اولین بار در کتاب آرمانشهر اثر «سر توomas مور»<sup>۱</sup> که به زبان لاتینی و درباره عالی ترین شکل جمهوری و جزیره جدید اتوپیا در سال ۱۵۱۶ انتشار یافت- مورد استفاده قرار گرفت. توomas مور واژه اتوپیا را از واژگان یونانی گرفته و ترکیب کرده است. (ou) به معنی not place به معنی در زبان انگلیسی است، و ترکیب این دو کلمه یونانی به مفهوم «هیچ جا»<sup>۲</sup> یا ناکجا آباد است. او در سال ۱۵۱۵، یعنی زمانی که در سفارت «فلاندرز»<sup>۳</sup> کار می کرد، کتاب دوم «اتوپیا»<sup>۴</sup> را نوشت و در آن به شرح یک جامعه (شهر) کمونیستی و بی مذهب پرداخت که نهادها و سیاست های آن به شیوه ای کاملاً عقلانی اداره می شدند. نظام و منزلت چنین جامعه ای تضاد قابل توجهی با شیوه غیرعقلانی اداره اروپای مسیحی داشت، که بر اساس منافع شخصی و حرص و طمع برای قدرت و ثروت تقسیم شده و بیشتر در کتاب اول (نوشته شده در انگلستان ۱۵۱۶) شرح آن رفته بود. توصیف اتوپیا از زبان مسافری مرموز به نام «رافائل هیتلودی»<sup>۵</sup> و در دفاع از ایده نویسنده- که کمونیسم را تنها راه مقابله با خودپرستی در زندگی خصوصی و عمومی می دانست- بیان می شود. وی در مکالمات با این فرض که طبیعت آدمی جایز الخطاست درباره کاهش بدی حرف می زند تا درمان آن. بنابراین این امر به خواننده بستگی دارد که حدس بزنده کدام بخش های این نوشته درخشنان که حاوی کنایات و ظرایف طنزآمیز است<sup>۶</sup> - جدی و کدامیک تناظری آشکار است. آرمان شهرهای مکتوب ممکن است عملی، طنزآمیز و یا ذهنی باشند. آرمان شهرها بسیار

غربی ها «اتوپیا» به جامعه آرمانی و ایده آل انسان گفته می شود و ویژه مکانی خاص نیست و در واقع، هرجایی است که در آن، همه مردم، با نیک بختی و سعادت در کنار یکدیگر، در صلح و آرامش به سر می بند و در آن جا از ظلم و فساد، اثربنی نیست. اما باید دید که این اندیشه، از چه زمانی شروع شده و چگونه بشر می تواند به آرزوی خود - که داشتن چنین جامعه ای است - دست یابد. عده ای، آغاز هبوط انسان از بهشت را، آغاز تفکر آرمان گرایی می دانند؛ زیرا آدمی از همان زمان، در آرزوی بازگشت به بهشت موعود بوده است. در آرمان ایرانیان باستان، خداوند به پادشاهی، نیکوکردار، مقام فرَّه ایزدی ( توفیق خدایی / فرخندگی ) می بخشد و پادشاه برگزیده حق، در این مقام، ظلم را در زمین، محظوظ نبود می کند و عدالت را برای همگان به ارمغان می آورد. این طرز اندیشه، در سیر تحول تاریخ، در تفکر ادیان توحیدی، به عالی ترین آرمان، مبدل شد. با این توصیف، گویا بشر از ابتدا، هر زمان که ناملایمات و جنگ و دشمنی، زندگی اش را به تلاطم می انداخت، با پناه بردن به آرزو و آرمان، در تخیل خود، جامعه آرمانی و ایده آل خود را ترسیم می کرده است.

#### پیشینه تحقیق

«آرمانشهر»<sup>۷</sup> به جامعه ای ایده آل گفته می شود که ساکنان آن در شرایطی به ظاهر تمام عیار و بی نقص زندگی می کنند. بنابراین واژگان آرمانی یا آرمان گرایی برای اصلاحاتی خیال انگیز به کار برده می شوند که به طرز دست نیافتنی ایده آل هستند.

1. Utopia  
2.Sir Thomas More

- 3.no place  
4.Flanders

۵. فلاندر که در هلندی Vlaanderen و در فرانسه Flandre خوانده می شود، جامعه ای (سیاسی) از فلمینگ ها و همچنین موسسه ای در بلژیک و یک منطقه جغرافیایی در هلند، بلژیک و فرانسه کنونی است. در طول تاریخ منطقه جغرافیایی که فلاندر خوانده می شود تغییر یافته است.

6. Book II of Utopia

- 7.Raphael Hythloday

۸. «jeu d'esprit» عبارتی فرانسوی به مفهوم لغوی «بازی ذهن» و ترجمه دقیق تر آن پرواز خیال (flight of fancy) است، این اصطلاح برای لطیفه ها و قطعات هجایی مانند آثار «اسکار وايد» و عموماً برای قطعات نوشتاری چون اشعار غیرمسجع و رمان های کمدی کوتاه که دارای ماهیت طنزآمیزی هستند، استفاده می شود.

سال ۱۵۵۲ و آرمانشهر «فرانچسکو پاتریزی»<sup>۸</sup> به نام «شهر شاد»<sup>۹</sup> بودند. ایده فراگیر «شهر خورشید»<sup>۱۰</sup> نوشته شده در سال ۱۶۰۲ از «توماسو کامپانلا»<sup>۱۱</sup> یک آرمانشهر عملی اولیه بود. اثر «فرانسیس بیکن»<sup>۱۲</sup> به نام «نیو آتلانتیس»<sup>۱۳</sup> منتشر شده در سال ۱۶۲۷ از نظر برنامه علمی خود عملی بود، ولی از لحاظ نظری متوجه فلسفه و مذهب بود. جامعه آرمانی مسیحی در آتناجیل (سال ۱۶۱۶) نوشته آی.دی.ام (I.D.M)، «شهر مسیحی»<sup>۱۴</sup> نوشته یوهان ولنتین آندره<sup>۱۵</sup> سال ۱۶۱۹ شرح داده شده است. آیین «پوریتائیسم»<sup>۱۶</sup> بسیاری از آرمانشهرهای ادبی- هم مذهبی و هم سکولار- را خلق کرد، به ویژه قانون

کهن سال تراز نام خود هستند. کتاب «جمهوریت»<sup>۱۷</sup> افلاطون الگوی بسیاری از آن‌ها بوده است، از تماس مور تا «هربرت جرج ولز»<sup>۱۸</sup> جزیره‌ای آرمانی که در تاریخ مقدس<sup>۱۹</sup> «آتوهمروس»<sup>۲۰</sup> وجود دارد (که در ۳۰۰ قبل از میلاد در اوج بود) و زندگی «پلوتارک»<sup>۲۱</sup> مبتنی بر قانون «لیکورگوس»<sup>۲۲</sup>، شهر آرمانی اسپارت را توصیف می‌کنند. افسانه آتلانتیس<sup>۲۳</sup> الهام بخش بسیاری از افسانه‌ها شد. اما اکتشافات قرن پانزدهم زمینه‌های واقعی تری را مجاز شمرد و سر تماس مور در اثر خود- اتوپیا- «امریگو وسپوچی»<sup>۲۴</sup> را شریک نمود. دیگر آرمانشهرهای شبیه به تصویر انسانگرای تماس مور، آرمانشهر «آنتونیو فرانچسکو موندی» در

## 1.H.G. Wells

## 2.the Sacred History

۳. آتوهمروس (Euhemerus) در قرن ۳ قبل از میلاد نخستین کسی بود که دست به تفسیر اسطوره زد. او در واقع پایه گذار بنیادهای تاریخی و واقعی برای داستان‌های اسطوره‌ای بود. او تعریفی کلاسیک از اسطوره بیان نموده و شخصیت‌های اسطوره‌ای را بر بنیادهای پدیده‌های تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی قرار داد (دکتر بهار مختاریان، نشست اسطوره و نقد اسطوره‌ای در هنر و ادبیات، فرهنگستان هنر)، وی کتابی به نام نوشته‌های مقدس تدوین کرد و در آن چنین نوشت که خدایان نیروهای مختلف طبیعتند که بشر به آن‌ها شخصیت انسانی داده‌یا، به احتمال بیشتر قهرمانان انسانی هستند که مردم به خاطر خدمات آن‌ها نسبت به خود باز روی تصور عمومی صورت خدایی داده است [نگارنده].

۴. پلوتارک به یونانی Πλούταρχος، تلفظ: (پلوتارخوس) (حدود ۴۶ - ۱۲۷ میلادی)، از تاریخ‌نگاران، زندگی‌نامه‌نویسان و مقاله‌نویسان یونان باستان بود. پدر پلوتارک اتبولوس بود. وی در یکی از خانواده‌های مهم شهر خرونه در مرکز یونان بهدنیا آمد. بعدها در یونان و مصر به سیاحت پرداخته و چند صباخی در روم زیست و مورد عنایت تراژان واقع گشته و از جانب او به امارت شهری گماشته شد. پلوتارک سالهای آخر زندگیش را در زادگاه خود که به رسوم و آداب و مردمانش دلبستگی فراوان داشت گزارند و در آنجا مدرسه‌ای گشود و حلقه درس داشت.

۵. لیکورگوس قانونگذار اسپارت. وی پس از مرگ برادر خود پلی دکت پادشاه اسپارت فرمانروای شهر گشت. زن برادر او هنگام مرگ شوی آبستن بود و به لیکورگوس پیغام داد که حاضر است طفل خویش را هلاک سازد و سلطنت اسپارت را بدو سپارد مشروط بدانکه لیکورگوس با وی مزاوجت کند. لیکن لیکورگوس بدین امر تن نداد و چون برادرزاده اش تولد یافت، او را شاریلاتوس یعنی «سرور ملت» نام نهاده و خود را نائب و قیم وی شمرد. پس از آن سفری به کرتا و مصر و آسیا کرد و چون در اسپارت اقلایی روی داد مجدداً به وطن بازآمد و در ۸۸۴ به دستیاری شاریلاتوس و سی تن از دوستان خویش به تغییر قوانین اسپارت همت گماشت، لکن باز دچار مخالفت مردم گشت و روزی در میدان شهر جوانی موسوم به «آلکاندر» یک چشم او را کور کرد. پس از وضع قوانین جدید باز از وطن دوری گرفت و سرانجام چنانکه مورخین قدیم نکاشته اند در ممالک بیگانه از گرسنگی بمرد (ترجمه مدخل تمدن قدیم فوستل دکولانژ صص ۵۰۴-۵۰۳ در لغتname دهخداد)

## 6.The legend of Atlantis

۷. آمریگو وسپوچی به ایتالیایی: (Amerigo Vespucci) کاشف و نقشه‌نگار ایتالیایی است که قاره غربی به نام او «آمریکا» نامیده می‌شود.

## 8. Francesco Patrizi

## 11. Tommaso Campanella

## 9. La città felice

## 12. New Atlantis

## 10. La città del sole

۱۳. شهر مسیحی (Christian polis) نوشته یوهان والنتین آندره در سال ۱۶۱۹ توصیف جزییات یک شهر آرمانی دانشمندان و صنعتگران است که از دید یک مسافر جوان و ساده بیان می‌شود.

## 14. Johann Valentin Andreae

۱۵. پوریتائیسم (Puritanism) یک حرکت اصلاحی مذهبی در اواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم میلادی است که به دنبال پاک کردن کلیسای انگلستان از بقایای کاتولیک رومی است.

جامعه قریب الوقوع گردید، تعدادی داستان‌های ضد آرمانشهری نوشته شد. در میان آن‌ها رمان‌های پاشنه آهنین اثر جک لندن (۱۹۰۷)، من (۱۹۲۴)، ما، (۱۹۲۵) نوشته «یوگنی زامیاتین»<sup>۱۳</sup>، دنیای قشنگ نو نوشته «آلدوس هاکسلی»<sup>۱۴</sup> و (۱۹۸۴) هزار و نهصد و هشتاد و چهار از «جرج اورول» (۱۹۴۹) به چشم می‌خورد. در این میان «داستان آرمانشهر» اثر «لوییس مامفورد» (۱۹۲۲) پژوهشی عالی است.

همزمان با ادبیات کوشش‌هایی نیز توسط گروه‌های مذهبی و اصلاحگران سیاسی برای استقرار جوامع آرمانی به ویژه در امریکا صورت پذیرفت. در دو قرن بین سال‌های ۱۶۶۳ (زمانی که برخی منونیت‌های هلندی اولین کلنی‌های کمونیستی را در جایی امروز لویس دلاور خوانده می‌شود ایجاد کردند) و ۱۸۵۸، ساخت حدود ۱۳۸ سکونتگاه در امریکای شمالی آغاز شد. اولین اجتماعی که بیش از دوره زندگی موسس خود طول کشید، «فرقه فرات»<sup>۱۵</sup> بود که در سال ۱۷۳۲ در پنسیلوانیا توسط پاک‌اندیشان‌های آلمانی بنیان گذاری شد.<sup>۱۶</sup> دیگر سکونتگاه‌های پیهیتیستی آرمانشهرهای طنزگونه‌هایی هستند که به جای ارائه راه حل‌های عملی برای شرایط موجود به تمسخر آن می‌پردازند. در این گروه آثای چون سفرهای گالیور نوشته سویفت (۱۷۲۶) و اروون نوشته ساموئل بالتر جای می‌گیرند. در قرن بیستم که امکان برنامه ریزی

آزادی (۱۶۵۲) که در آن «جرارد وینستنلی»<sup>۱</sup> از اصول گروه «دیگرز»<sup>۲</sup> حمایت کرد. «جامعه اشتراکی اوشنا»<sup>۳</sup> ۱۶۵۶ نوشته «جیمز هرینگتون»<sup>۴</sup> در سال ۱۶۵۶ از توزیع زمین به عنوان شرطی برای استقلال عame پسند حمایت نمود. در فرانسه کارهایی چون اثر «گابریل دی فوانی»<sup>۵</sup> به نام «جنوب زمین شناخته شده است»<sup>۶</sup> در سال ۱۶۷۶ آزادی را تشویق کرد. اثر «فرانسوا فنلون»<sup>۷</sup> به نام «تله ماک»<sup>۸</sup> شامل بخش‌هایی تخیلی بود که زندگی ساده را می‌ستود. بریتانیای جدید اثر «جی. آ. آلیس»<sup>۹</sup> در سال ۱۸۲۰ و «سفری به ایکاریا» اثر «اتین کابه»<sup>۱۰</sup> (۱۸۴۰) درباره جوامعی آزمایشی در ایالات متحده بود که محدودیت‌های برنامه ریزی اقتصادی صرف را نشان می‌داد. در نتیجه «بولور-لیتون»<sup>۱۱</sup> در اثر خود به نام «رقابت آینده»<sup>۱۲</sup> در سال ۱۸۷۱ ماهیتی را خلق کرد که اقتصاد را کاملاً حذف می‌کرد، و «ویلیام موریس» در اثر خود در سال ۱۸۹۰، «خبر از ناکجا آباد»<sup>۱۳</sup>، نشان داد که اقتصاد را خوار می-شمرد. بسیاری از آرمانشهرهای طنزگونه‌هایی هستند که به جای ارائه راه حل‌های عملی برای شرایط موجود به تمسخر آن می‌پردازند. در این گروه آثای چون سفرهای گالیور نوشته سویفت (۱۷۲۶) و اروون نوشته ساموئل بالتر جای می‌گیرند. در قرن بیستم که امکان برنامه ریزی

#### 1. Gerrard Winstanley

۲. گروه دیگرز (Diggers) یک گروه انگلیسی از کشاورزان کمونیست پرووتستان بود که توسط جرارد وینستنلی در سال ۱۶۴۹ پایه گذاری شد. افراد این گروه سعی می‌کردند که قوانین اجتماعی موجود را با یک شیوه زندگی کشاورزی-که مبتنی بر ایده‌های آن‌ها برای ایجاد جوامع روزتای کوچک و برابر بود- تغییر دهند.

#### 3. The Commonwealth of Oceana

#### 10. Bulwer-Lytton

#### 4. James Harrington

#### 11. The Coming Race

#### 5. Fogny

#### 12. News from Nowhere

#### 6. Terre australe connue

#### 13. Yevgeny Zamyatkin

#### 7. François Fénelon

#### 14. Aldous Huxley

#### 8. Télemaque

#### 15. Ephrata Community

#### 9. G.A. Ellis

۱۶. پهیتیسم (Pietism) یک جنبش اصلاحی در کلیسا‌ی لوثری آلمان در قرن‌های هفدهم و هجدهم است که کوشید تا آرمان‌های فدایکارانه مذهب پرووتستان را تجدید کند.

#### 17. George Rapp

۱۷. جامعه متحد باورمندان به ظهور دوباره مسیح (Shakers) یک فرقه مذهبی است و بر اساس تعلیمات آن لی (Ann Lee) بر مساله برابری و رد روابط جنسی تاکید می‌کرد و همین امر سبب کاهش تعداد افراد آن شد. این گروه امروزه با تعداد افراد کمی که باقی مانده‌اند بیشتر به دلیل همکاری‌های فرهنگی خود شناخته می‌شود.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۱

او هدیه بی همتایی از نبوت یا فرزانگی است. بیشتر این کلندی‌ها در طول دوره زندگی بنیانگذار اصلی خود شکوفا شدند و پس از مرگ وی به آرامی رو به زوال رفتند.

## آرمان شهر از نگاه غرب

از نظر فلسفه یونانی روح جامعه عدل است. عدل یکی از چهار فضیلت شهر مطلوب افلاطونی است که در کنار سه فضیلت دیگر یعنی حکمت، شجاعت و خویشتن داری اهمیت دارد. عدالت در بین این چهار اهمیت بیشتری دارد. عدل حکم هارمونی در یک ارکستر را دارد. از نظر افلاطون شهر عادل همچون انسان عادل است و انسان عادل باید و می‌تواند بر خود حکومت کند. در چنین شهری در باطن شهر و در زوایای پنهان صلح و صفا ایجاد می‌شود و در آشکارا و در میان طبقات شهر هماهنگی. بیشتر متفرگان و فلاسفه غربی، راه رسین به سعادت و صلح و امنیت را با تشكیل حکومت واحد جهانی، میسر دانسته‌اند.

آنان معتقد بوده و هستند که با وحدت ملل مختلف و داشتن منافع مشترک برای همه مردم جهان، دلیلی برای جنگ و نزاع، باقی نمی‌ماند و جهان می‌تواند به جامعه آرمانی برسد. از جمله این فلاسفه می‌توان به این افراد، اشاره کرد:

### شهر مراد افلاطون

در طول تاریخ، نگاه اندیشه‌وران به مدینه فاضله از دریچه‌ای خاص، براساس نابسامانی‌های جامعه خودشان بوده است. دیدگاه افلاطون عمده‌تر سیاسی است. وی از این منظر، به نابسامانی‌ها می‌نگردد و بر همین اساس هم راه حل ارائه می‌دهد. او می‌نویسد:

می‌کنند. دیگر فرقه‌های مذهبی اشتراکی هنوز شکوفا هستند. در میان بزرگترینشان «هوتریت»<sup>۱</sup>ها و عمده‌تر ایالات متحده و کانادا هستند، اما کلندی‌هایی نیز در پاراگونه و انگلستان دارند. از اولین جوامع سکولار مجتمع نیوهارمونی است که در سال ۱۸۲۵ بنیان گذاری شد، یعنی زمانی که کارخانه دار بریتانیا یا رابت آون مجتمع نیوهارمونی در ایندیانا را از «رپیت‌ها»<sup>۲</sup> خریداری کرد. نیوهارمونی بیش از آن که جامعه ای کمونیست باشد یک جامعه تعاآنی بود. با وجود آن که این اجتماع از میان رفت ولی اولین مهد کودک، اولین مدرسه حرفه‌ای، اولین کتابخانه عمومی و اولین مدرسه دولتی تحت حمایت اجتماع در امریکا را در خود داشت. ایکارین‌ها - پیروان اتنین کابه - جوامع ناموفقی را در ایلینویز پیش تر توسط پیروان مکتب مورمونیسم ایجاد شد، میسیوری، ایووا و کالیفرنیا بنیان نهادند.

پس از جنگ داخلی امریکا، سور و شوق برای تجربه‌های آرمانشهری سکولار رو به افول نهاد. برخی سکونتگاه‌های جدید در دهه ۱۸۹۰ در پی انتشار مقالاتی در رابطه با آرمانشهر مانند «جامعه تعاآنی»<sup>۳</sup> اثر «لورنس گرونلند»<sup>۴</sup> و «نگاهی به گذشته»<sup>۵</sup> اثر بلازمی ایجاد شدند، اما ضربه ناگهانی کار خود را کرده بود و جنبش‌های اخیر به زودی در برابر سوسیالیسم سیاسی گرد هم آمدند. خلق جوامع مذهبی آرمانی در قرن بیستم ادامه یافت، اما آن‌ها نیز معمولاً عمرشان کوتاه بود. مهاجرنشین‌های مذهبی، در تمام نمونه‌های خود، توسط یک شخصیت قدرتمند واحد ایجاد و اداره می‌شدند که مریدانش باور داشتند که

۱. هوتریت‌ها (Hutterites) یک شاخه از آناباپتیست‌ها (Anabaptists) هستند که ریشه آن‌ها به اصلاحات رادیکال قرن شانزدهم به رهبری مارتین لوتر باز می‌گردد. از باورهای آن‌ها می‌تواند به جامعه ای سرشار از نیکی و صلح کامل اشاره نمود. جامعه هوتریت‌ها که مهاجر نشین نامیده می‌شوند، همه روسانی می‌شوند، همه بسیاری از آن‌ها بسته به موقعیتشان متکی بر کشاورزی و دامداری است. هر روزه تعداد بیشتر و بیشتر از این کلندی‌ها به دلیل دشوار بودن زندگی بر پایه‌ی کشاورزی به تولید رو می‌آورند. این کلندی‌ها در ساخت خانه، تعمیر و نگهداری تجهیزات و درست کردن لباس خود کفا هستند.

۲. جامعه هارمونی توسط «یوهان گنورگ رپ» (Johann Georg Rapp) و پسرخوانده وی فردریک رپ (۱۸۳۴-۱۷۷۵) بنیانگذاری و رهبری شد، و برای ۱۰۰ سال - تقریباً از ۱۸۰۵ تا ۱۹۰۵ - پای بر جا ماند. اعضای این جامعه گاه هارمونیست، هارمونیت یا رپیت نامیده می‌شدند.

1. The Cooperative Commonwealth

2. Laurence Gronlund

3. Looking Backward

(مُثُل) رسیده است؛ چراکه او به واسطه اتصال با عالم حقیقت، مصالح مردم را بهتر از خودشان تشخیص می‌دهد و تصمیم او به حقیقت نزدیک‌تر است. پس، مشکلات جوامع زمانی به پایان می‌رسد که فیلسوفان (فلسفه حقیقی)، به مقام شهرباری برستند یا شهرباران فیلسوف باشند:

«...بلکه به عقیده من مفاسد نوع بشر، هرگز نقصان نخواهد یافت، مگر آنکه در شهرها، فلسفه پادشاه شوند، یا آنان که هم‌اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت دارند، به راستی و جداً در سلک فلسفه درآیند و نیروی سیاسی با حکمت توأم‌ا در فرد واحد جمع شود» (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۵؛ مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص ۴۹-۵۰).

از جمله امتیازاتی که افلاطون برای فلسفه حقیقی برشمرده، این است: رغبت برای شناخت همه واقعیت‌های اصیل؛ عداوت و خصومت با دروغ و محبت حقیقی به صدق و خلوص؛ پست شمردن لذات جسمی؛ بی‌اعتنایی به مال و ثروت؛ علو ادراکات و آزادی اندیشه؛ عدالت و اخلاق لطیف؛ سرعت انتقال در خاطرات و قدرت یادآوری محفوظات و فطرت منظم و قانونی (گادامر، ۱۳۸۲، ص ۸۰ و افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۵۴۶).

بافت «شهر مراد» او را جامعه‌ای طبقاتی تشکیل می‌دهد. در رأس این جامعه، طبقه حاکم قرار دارد که طبقه بافضلیت‌تر و به یک معنی اشراف جامعه است که تفاوت جوهری با سایر طبقات دارد. وی دروغگویی را برای رهبران جامعه جایز می‌داند. البته دروغ مثل دارو است که تجویز آن باید با حکم پیشک باشد: «اگر دروغ گفتن برای کسی مجاز باشد، فقط برای زمامداران شهر است که هر وقت صلاح شهر ایجاد کند، خواه دشمن و خواه اهل شهر را فریب دهد» (افلاطون، ۱۳۶۰، ص ۱۵۲). افلاطون کمال مطلوب را از نظر فردی، در عدل و از نظر اجتماعی، در حکومت فلسفه می‌داند. البته تحقق چنین جامعه‌ای، همانند مُثُل او جنبه تخیلی دارد. خود او هم به روایی بودن چنین جامعه‌ای اعتراف می‌کند.

«زمامداران عموماً به وسیله یک نوع جنون غیرطبیعی حکومت کرده‌اند. این جنون چیزی نیست که کسی بتواند آن را تعلیم دهد یا تعلیم گیرد؛ یعنی این جنون علم نیست، پس حکومت زمامداران بر اساس صحیح و علمی و بر پایه فلسفی نیست. لذا زمامداران نمی‌توانند حکومت خوب به وجود بیاورند» (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۷۹).

افلاطون مشکل جامعه زمان خودش را کنار نهادن فلسفه دانسته، معتقد است: «در این نظام صاحبان قدرت از حکمت و فضیلت به دور هستند، فلذا به تدریج دچار حرص و فزون‌خواهی و تکاثر اموال می‌گردند». حکومت دموکراسی هم در نظر افلاطون، یکی از منفورترین حکومت‌های است؛ چراکه مردم در حالی بر سرنوشت خود مسلط هستند که قدرت اندیشه و قضاؤت صحیح را ندارند. حکام هم به دلیل خوشامد آنان سعی خواهند کرد احکامی صادر کنند که خوشایند مردم باشند. این امر در نهایت به فروپاشی جامعه می‌انجامد. سایر نظام‌ها هم اشکالات خود را دارند؛ نظام الیگارشی یا حکومت ثروتمندان، حکومت اقلیت بوده و انتهاییش از هم پاشیدگی اجتماع است. در نهایت، هم نظام ستمگری، ظالمانه‌ترین نوع نظامی بود که می‌توانست حاکم باشد (پازارگاد، ۱۳۵۹، ص ۴۷۸ و صص ۴۸۸-۴۹۳).

با توجه به این نظام‌ها و انتقادات سخت وی بر هر یک از این نظام‌ها، راهبرد وی در مینه فاضله‌اش انسان‌مدار نیست، بلکه حالتی فلسفی دارد و او را در صدد حل یک معضل فلسفی نشان می‌دهد. افلاطون از یک سو، در نظریه «مُثُل» خود به این نتیجه می‌رسد که حقیقت، لزوماً دارای ویژگی ثبات و کلیت است. بر این اساس، از بی‌ثباتی وضع سیاست‌های موجود به این نتیجه کاملاً معقول می‌رسید که نظام‌های موجود، نمی‌توانند نظام سیاسی ایده‌آل بوده و جامعه تحت سلطه خویش را به سامان و صلاح راهنمون کنند. بنابراین، باید دنبال یک نظام سیاسی با ثبات بود. افلاطون این نظام با ثبات را در جامعه‌ای می‌بیند که فرمانروایش کسی باشد که به مقام درک حقایق

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۳

دانسته، می‌گوید: «هدف جامعه سیاسی نه تنها زیستن بلکه به زیستن است» (ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۱۲۳). ارسطو، محور و غایت جامعه سیاسی را سعادت انسان می‌داند. وی سعادت را در به کارگیری فضیلت دانسته و فضیلت را در دانایی و اعتدال جست و جو می‌کند. بنابراین، از نظر وی جامعه سیاسی مطلوب، جامعه‌ای است که در رأس هرم آن، کسی باشد که از دانایی و فضیلت بیشتری برخوردار است. البته چون دانایی تنها ملاک فضیلت نیست، بلکه اعتدال نیز از مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی است، ارسطو ضابطه و دستور العمل مطلقی در ارتباط با بهترین شیوه زندگی و نظام سیاسی جامعه ارائه نمی‌دهد، بلکه ترجیح می‌دهد ضابطه‌ای قابل انطباق با شرایط گوناگون، پیش روی ماقرار دهد. از این‌روی می‌گوید:

«معیار ما، در تعیین بهترین سازمان حکومت... آن چنان روش زندگی و حکومتی است که بیشتر مردمان و کشورها را آسان‌یاب و پذیرفتندی باشد... سعادت راستین در زیستن بافضیلت، فارغ از هر قید و بندی است و فضیلت هم در میانه‌روی است. از اینجا بر می‌آید بهترین گونه زندگی، آن است که بر پایه میانه‌روی و در حدی باشد که همه کس بتواند به آن برسد» (ارسطو، ۱۳۵۸، صص ۱۷۸-۱۷۹).

با دقت و تأمل در نظرات افلاطون و ارسطو به این نتیجه رهنمون می‌شویم که در هیچ یک از این دو دیدگاه، ردپایی از تفکرات جدید انسان مدارانه قرون جدید به چشم نمی‌خورد. قرینه دیگر مؤید این مدعای پذیرش برده‌داری از جانب این هر دو فیلسف است. ارسطو رسمًا در بخش‌هایی از کتاب سیاست خود به بحث برده‌داری می‌پردازد (ارسطو، ۱۳۵۸، بخش ۲، ص ۷-۱۶).

توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵) (۱۵۳۵-۱۴۷۸)

وی فیلسوف، سیاستمدار و حقوقدان انگلیسی است که از پیشگامان نظریه آرمان شهری در غرب است. مور، در رساله ادبی خود به نام «آرمان شهر»، به توصیف جزیره‌ای آرمانی و امن پرداخته که همه ساکنان این جزیره که در ۵۴ شهر بزرگ و زیبا

برای وی اساساً مهم نیست که چنین جامعه‌ای به وجود آید یا نه (افلاطون، ۱۹۸۰، ص ۵۴۸ و ۱۳۶۰، ص ۳۱۴). البته افلاطون، از آرمان‌های دیگری چون آرمان عدالت و اعتدال در مدینه فاضله سخن می‌گوید. اما رویکرد این مباحث فلسفی و سیاسی است. اعتدال مدینه عبارت است از: تبعیت لازم و مقتضی فرمانبرداران از فرمانروایان. عدالت مدینه در این است که هر کس، بدون دخالت در کار دیگران، مواضع و متوجه کار خود باشد... مدینه وقتی عادل است که تمام طبقات و افرادی که طبقات از آنها ترکیب و تألف شده است، وظائف مربوط به خود را به طریقی شایسته و صحیح انجام دهدن (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۳۱۳). افلاطون نیز به طور کلی اساس نظام مدینه فاضله را بر تفاوت سرشت و گوهر انسان‌ها نهاده و بر این باور است که عده‌ای از مردم در طبیعت خویش فروdestت آفریده شده‌اند و جنس وجودی آنها از آهن و برنج است. دسته دیگر، که سرشت آنان از طلا و نقره وجود یافته، شایسته سروری و فرمانروایی هستند. صلاح فروdestن بندگی و فرمانبری از بالادستان است. وی سه طبقه برای مردم قایل است که عبارت‌اند از: پیشه‌وران، سپاهیان و سیاستمداران. وی ارزش طبقاتی آنان را به ترتیب به آهن، نقره و طلا تشبيه می‌کند و گروه سوم را دارای استعداد طلایی و لایق تربیت معرفی کرده، می‌نویسد:

«اموران، فرزندان افراد نخبه شهر را به پرورشگاه برد، به پرستارانی که در محله‌ای جدا، در شهر اقامت خواهند داشت، می‌سپارند. ولی اطفال افراد پست و آنها یی را که با نوعی نقص به دنیا آمده‌اند، در محلی مخفی و دور از انظار پنهان خواهند کرد» (همان، ۱۹۸۰، ص ۲۰۲ و ۳۱۵-۳۱۶).

## ارسطو

این نوع نگرش، در تمام تاریخ تمدن یونان باستان به چشم می‌خورد؛ ارسطو نیز آرمان شهر خود را بایک نوع قرائت فلسفی- سیاسی بیان می‌کند. وی در ابتدای تأسیس نظام سیاسی را در جهت رفع نابسامانی‌ها

کمونیزم، نظام لیبرال دموکراتی، صورت نهایی و عام تاریخ بشر خواهد بود. وی مدعی است که نظام دموکراتی لیبرال، هر چند دارای مشکلات و نقصان است، بر دیگر نظام های سیاسی جهان، برتری خواهد یافت. به اعتقاد او، ملت ها، به دلیل تفاوت فرهنگ در حوزه زبان و دین و قومیت، در مقابل این نوع حکومت، مقاومت خواهند کرد؛ اما سرانجام، آن را خواهند پذیرفت. نظریه فوکویاما از طرف برخی جنبش های فکری، از جمله روشن فکران مسلمان، مردود شمرده شد. وی پس از واقعه یازده سپتامبر، مجبور شد در نظریه خود تجدید نظر کند. او به ضعف الگوی مورد نظر خود، اعتراف کرد؛ اما با وجود این، همه گونه های دیگر حکومت در جهان معاصر را ارجاعی خواند.

### فیلسوفان نویمید

اما در مقابل نظر این اندیشمندان، برخی از صاحب نظران، از دستیابی به جهانی آرمانی، مایوس هستند. «گرت جونز»، در کتاب خود می نویسد: «هیچ گاه به جهانی دست نخواهیم یافت که بیماری، پیری و مرگ از آن رخت بربسته باشد، یا در آن، زلزله و بلاهای طبیعی نباشد... هر کسی که از ناکجا آبادی سخن بگوید که در آن، همه چیز در گلشن دوست داشتنی است، فقط رؤیا می پرورد».

### آرمانشهر در شرق

این نظریات در شبۀ علم پیچیده هندسه شکوفا گردید که بر اساس آن جریان محلی، پنهانه کیهان را که متأثر از پستی و بلندی، در بهینه های آب، جهات اصلی و خطوط پنهانی در زمین می باشد را مورد بررسی قرار می دهد. این علم به توصیه هایی در مورد مکان های مناسب برای شهرها، آرامگاهها و بناهای مهم پرداخته اند و روش های بهبود و ارتقاء مکان ها را نیز از طریق نمادها، حفاری و درختکاری ارائه می نماید تا این گونه جریانهای مطلوب را به داخل هدایت کرده و جریانهای نامساعد را مسدود کرده تا به طرف دیگر منحرف سازد (لينچ، ۱۳۷۵، ص ۹۵). نظریه پردازان هندی کمتر بر شکل گیری

زندگی می کنند، دارای زبان و قوانین و آداب و رسوم مشترک هستند. توزیع منابع در همه شهرها یکسان است، مالکیت خصوصی از میان رفته است، فقر و فلاکت، از جامعه رخت بربسته و پیروان همه ادیان مختلف، در کنار یکدیگر، بدون هیچ تعصی در صلح و آرامش زندگی می کنند.

### آنکاراسیس گلوتس

وی در آغاز انقلاب فرانسه، خود را سخنگوی بشر خواند و نقشه رسیدن به جامعه آرمانی را مطرح کرد. او معتقد بود که آمیزش همه ملت های جهان با یکدیگر و تشکیل «ملت واحد»، راهی است به سوی سعادت آرمانی.

### توماس کامپانلا

وی که نمونه بارز نظریه پرداز آرمان شهر است، در کتاب «شهر آفتاب» خود، معتقد است که بشر، از طریق اصلاح نژاد، با روش پیشگیری از به دنیا آمدن افراد شروع مادرزاد و تشکیل ملت واحد رسیدن به وحدت سیاسی، به جامعه آرمانی دست می یابد. فرانسیس بیکن (۱۵۶۱-۱۶۲۶)

وی بزرگ ترین فیلسوف و متفکر انگلیسی، بین قرن شانزده و هفده میلادی است که خواهان اصلاح زندگی از طریق گسترش علم و دانش و پرهیز از خرافات بود. وی عقل و حکمت و دین را امری لازم برای پیشرفت زندگی بشر می دانست و در کتاب «آتلانتیس نوین»، از آرمان شهری سخن گفته که در آن، عدالت و تقوا حاکم است. این فیلسوف، اعتقاد داشت که عدالت و پارسایی و دانش و حکمت و سلطه یافتن انسان بر طبیعت، امکان رسیدن به سعادت و خوش بختی را برای همگان فراهم می کند.

### فرانسیس فوکویاما

از فلاسفه سیاسی قرن حاضر در آمریکاست. وی در نظریه خود، ادعا کرده که لیبرال دموکراتی، آخرین و بهترین شکل دولت برای همه ملل جهان است و جهانی شدن این حکومت، پایان تاریخ بشر خواهد بود. نظریه پرداز «پایان تاریخ» معتقد است که به دلیل فقدان جایگزین های معتبر، پس از شکست

وستا-پروستا تصویری از قوانین حاکم بر جهان است که انسان مانند زمینی که بر روی آن می‌زید، مقهور آن می‌باشد انسان با فعالیتهای ساختمانی خود همانگونه به محیط اطراف خویش نظم می‌دهد که روزگاری برهم، پروستای ناشناخته را در آن شکل هندسی خاص به نظم درآورد. ساختن، خود تطابق وجود نامنظم با قوانین حاکم بر جهان است. این امر تنها از طریق پیروی کامل طرح وستا-پروستای ماندالا، در ایجاد هر بنایی از گوشه خلوت یک راهب تا شکل شهر میسر می‌گردد.

### آرمانشهر در ایران باستان

اندیشه آرمانشهری در ایران باستان در دو مرحله قابل بررسی است:

۱- آرمانشهرهایی که در اساطیر دینی زردشتی اشاره شده است؛ و

۲- در مرحله تاریخی که می‌توان به کتب و نوشته های ایرانیان ارجاع داد، مانند هفت پیکر نظامی و شاهنامه فردوسی که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### آرمان شهر در ایران باستان

۱. «گنگ در»: گنگ در را سیاوش پسر کاووس در خاور سرزمین توران ساخت که شهری میتوی بود که نخست در آسمان بر سر دیوان روان بود (بهار، ۱۳۵۷، ص ۴۱)، آنگاه کیخسرو آن را به زمین آورد و در محل سیاوشگرد، استوارش ساخت. گنگ در دارای هفت دیوار از سنگ، پولاد، آبغینه، سیم، زر، گوهر و یا یاقوت است. کوشک آن، یمین و کنگره اش، زرین است. در آن چهار کوه و هفت رود هست و هفت مرغ از شهر پاسداری می‌کنند. در شاهنامه فردوسی از دو شهر گنگ در و سیاوشگرد یاد شده و این دو شهر در اساطیر ایرانی بر هم منطبق بوده است. برخلاف گنگ در منابع زردشتی که پاسداری آن به هفت مرغ سپرده است، گنگ در شاهنامه از دیدگاه طبیعی تسخیرنشدنی است و تنها راه آن به جهان بیرون تنگه‌ای است به-درازای دو فرسنگ که از آنجا پنج مرد می‌توانند راه را بر صد هزار

واقعی شهر تأثیر داشته اند، لیکن در برقراری پیوند بین خدایان، انسان‌ها، رسومات و طرحوهای شهری دارای صراحت بیشتری بودند، چنانچه مطالبی در ارتباط با شهرسازی تحت عنوان اسلیپا ساستراس در اختیار داشتند که نشان می‌داد چگونه باید زمینی را قلعه‌بندی کرده و نیروهای شیطانی بی‌نظمی را محاصره کرده و در کنترل درآورد.

۱- «ماندالا»: ماندالایکی از اشکال متداول ماندالا بود که از تعدادی حلقه‌های بسته، که هر کدام به مربع هایی تقسیم می‌شد و مهمترین نقطه آن مرکز بود، تشکیل می‌شد. محصور بودن و حفاظت، تقdis را مورد تأکید قرار می‌دهد و حرکت‌های کلیدی یا از خارج به داخل هستند و یا این که باید مکان مقدس را در جهت حرکت عقربه‌های ساعت دور زد. با انجام این کار زمین تقدس می‌یابد و برای مسیرهای حلقوی را طی کرده و ساکنین نیز شهر را در ذهن خود به همان منوال می‌سازند.

۲- وستو- پرسوا (واحد مسکونی روح مکان): ماندالاها بخشی سترگ از تئوری شهرسازی هندی هستند که مدل طرح شهر آرمانی بشمار می‌روند، چنانچه در اندیشه هندی که بعدها به چین نیز رسوخ می‌کند، پرسوا- دمون در داخل مربع هایی قرار گرفته که هریک متعلق به خدایی است، برهمما به مربع مرکزی اختصاص دارد و اطراف آن آدینتیاس است که درون آن نیز ۳۲ پادا- دیواتاس قرار گرفته است (لينچ، ۱۳۷۶، ص ۹۸). مدل کیهانی، مدعی وجود شهر آرمانی بلورین است: شهری باثبات و متکی بر سلسله مراتب. یعنی یک میکروکوزم جادوی که در آن هر بخش در داخل یک کاملاً منظم تلفیق می‌شود. در صورتی تغییری در آن اتفاق افتتد، میکروکوزم نیز بصورت ریتمیک، منظم و دوره‌های کاملاً ثابت تغییر می‌یابد (لينچ، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲).

ولواهسن توضیح می‌دهد که نام اطلاق شده به این شکل‌های کیهانی ماندالا است که در واقع فرمی است که وجود و دنیای پدیده‌ها تابع آن هستند.

مرد جنگی بینندن، این موقعیت دفاعی به موقعیت یوتوپیای تامس مور شبیه است که در وصف جزیره آرمانی تامس مور آمده است: طبیعت و فن از ساحل، چنان دژی ساخته اند که گروهی اندک از آنجا می توانند تاخت و تاز نیرویی بزرگ را پس زنند (مور، ۱۳۶۱، ص ۶۸).

۲. «کاخ افراسیاب»: در بندesh از دژی پوشیده به آهن که افراسیاب در زیرزمین ساخت یاد شده است و گفته شده که دژ افراسیاب در بخ گیر یا کوه خدایان و در زیرزمین بود. کاخ به بالای هزار مرد بلند و بر صد ستون استوار بود. چنان روشن که شب آن چون روز می نمود. چهار رود از آن می گذشت که در یکی شراب، در یکی ماست و در یکی آب روان بود (کریستین، ۱۳۵۵، ص ۱۳۰).

۳. «کاخ کیکاووس»: کیکاووس دومین پادشاه کیانی در البرز کوه هفت کاخ برآورد که نمونه بهشت این جهانی بود. باروبند آن به کنگ دژ می ماند و شهر هگمتانه پایتخت پادشاهان مادرابه یاد می آورد. به روایت سوتکرنسک کیکاووس در البرز هفت کاخ برآورد. یک کاخ از زر دو کاخ از سیم، دو کاخ از پولاد و دو کاخ از بلور (کریستین، ۱۳۵۵، ص ۱۱۲).

۴. «ور جمکرد»: دژ ساخته جم بود که جمشید به فرمان اهورامزدا ساخت تا مردمان را از گزند سرمای اهربینی در امان دارد. این دژ یادآور سرزمین مینوی ارانویج در ذهن ایرانی است که تصویری از عصر زرین است که آدمی را سرخوش از مهر بیزان و لطف طبیعی نشان می دهد (دوستخواه، ۱۳۶۷، ص ۶۶۵). در ادبیات عرب و ایران، پادشاهان ایران باستان بویژه دوره ساسانی نمونه فرزانگی دادگری و خردورزی سیاسی اند. توصیف پادشاهی بهرام پنجم و خسرو اول انوشیرون در هفت پیکر نظامی گنجوی و شاهنامه فردوسی عصر آنان را بصورت عصر زرین مجسم می کند. عصر بهرام پنجم (بهرام گور). در هفت پیکر نظامی آمده است که بهرام با همه دلیری و جنگاوری، مردی مهربان و خدا ترس بود. زمان، قحطی ای بر ایرانشهر سایه افکند و کشور را

چهار سال به کام خود کشید.  
سالی از دانه بر نرستن شاخ  
تنگ شد دانه بر جهان فراخ  
بهرام دستور داد تا در انبارها بگشایند و همه دانه و گندم را به مردم بدهند و افزون بر آن، از بیرون کشور نیز دانه و گندم آورد و مردم برسندند. خداوند به پاداش اندیشه پاک وی، چهار سال مرگ را از ایرانشهر دور کرد. شهرها چنان گسترش یافت که از اسپهان تاری را می شد بام به بام پیمود (نظامی گنجوی، بی تا، ص ۱۰۷-۱۰۴). مزدک با شعار برابری و مساوات، نوعی اندیشه آرمانشهری آورد. او از جامعه طبقاتی ساسانی برخاست و آیین خود را که آمیزه ای از جهان بینی زرداشتی و باورهای پارسیانه و برابرخواهانه خود وی بود، تبلیغ کرد و هیچ پدیده ای را که میان مردم کینه و ناسازگاری بیافریند، برنمی تافت. از این رو نابرابری را ریشه ناسامانی اجتماعی و کینه ورزی مردم به یکدیگر دانست و اعلام کرد که خداوند وسائل زیستن را در دسترس همه نهاده تا به برابری از آن برخوردار شوند (کریستین، ۱۳۶۷، ص ۳۳۹-۳۸۶).

### آرمان شهر از دیدگاه مسلمین

فارابی، اولين متفکر مسلمان است که با تلفیق نظریات ایرانیان باستان و افلاطون و ارسطو و آموزه های اسلام، به تفصیل، به موضوع مدینه فاضله پرداخته است. اساس و زیربنای مدینه فاضله فارابی، پرداختن به امور معنوی، عدالت خواهی، پرهیز از همه بدی ها و خصوصاً ظلم است. رئیس مدینه فاضله وی، شخصی عالم به همه علوم و معارف و حقایق است که راه های سعادت را از طریق وحی و الهام و عقل، درمی یابد و با ایجاد وحدت بین مردم و رفع بدی ها، آنان را به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت می رسانند. در آرمان شهر فارابی، همه صاحبان حرفه ها، تحت ریاست عالم ترین فرد آن حرفه قرار می گیرند و متصدّی هر کاری باید شایستگی و توان انجام دادن آن کار را داشته باشد. اصولاً در تفکر اسلامی، سعادت جامعه توحیدی، درگرو برپایی عدالت و نابودی ظلم

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۷

پی افکند. صفت «فاضله» گویای آرمان حکیم در جستجوی جامعه کمال مطلوب بود. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از معموره زمین آغاز می‌شود و در کوچکترین حد خود، به شهر اطلاق می‌گردد. چنان نگرشی، افزون بر اینکه از مفهوم اسلامی «درالاسلام» سرچشمه می‌گیرد، بسی فراتر از محدوده جغرافیایی ملت هاست. دریافت فارابی از جامعه کامل، جامعه‌ای بزرگ است که ملتهای بسیار را در برگرفته و چنانچه رهبری آرمانی زمام را به دست گیرد «مدینه فاضله» در محدوده آن تحقق خواهد یافت. مدینه فاضله فارابی، جامعه ایست کاملاً روحانی که تصور جزئیات آن بسی دشوار است. با این که بحث وی گستردگی و مفصل است، اما همه جا به کلی گویی بسنده می‌کند و به روابط ملموس سیاسی و اجتماعی نمی‌پردازد. جامعه مدنی (اجتماع مدنی) برای نظام طبقاتی مدینه فاضله، آگاهی اجمالی به دستگاه فلسفی فارابی ضرورت دارد. زیرا ساختار شهر آرمانی وی پژواک ذهن و برداشت عقلانی وی از نظام کائنات است. در دستگاه فلسفی فارابی، همه کائنات از فیضان وجود نخست یا ذات پروردگار پدید آمده است و موجودهای عالم در نظامی متنازل قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب که پس از موجود نخست که مبداء المبادی است، سلسله مراتب موجودهای عالم به ترتیب «الانقص فالانقص» از کمال به نقصان سیر می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسند که گامی فروتر از آن نیستی محض است. از این رو در شهر آرمانی فارابی، خیر افضل (سعادت آدمی و نیکی بربین) تنها در اجتماع مدنی به دست می‌آید نه در اجتماعی که از آن کمتر یا ناقص باشد و انسانها به حکم سرشت و برای رسیدن به کمال، نیازمند همکاری و تشکیل اجتماعند، نیازهای آدمی چنان متتنوع و فراوان است که هیچ کس به تنها نمی‌تواند همه آنها را برآورده سازد. این اجتماع و تقسیم کاری اجتماعی است که همه افراد را در دستیابی به خواسته‌هایشان کامیاب می‌سازد. بنابراین جامعه مدنی محصول تقسیم کار اجتماعی است و تنها در جامعه‌ای که انسان به کمال

و فساد است و در این اسلام، آراسته بودن مردم به زیور علم و تقوی، موجب رستگاری آنها در دو جهان می‌شود. در اسلام، محور وجود، «انسان کامل» است که خلیفه الله (جانشین خداوند) است؛ یعنی شأن و منزلت انسان کامل، در این مقام، با شأن و منزلت خداوند، یکی است. در بینش مسلمانان (خصوصاً شیعیان)، بنیان گذار جامعه آرمانی اسلام، امام مهدی (ع) یا آخرین امام از خاندان پیامبر(ص) است که اکنون غایب است. وی با اراده و کمک خداوند، آشکار می‌شود و قیام می‌کند و ستم و جهل و فقر را از جهان، ریشه کن می‌سازد و با گسترش آگاهی و عدالت، حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد و با رفع فقر و تبعیض و دیگر موانع تعلیم و تربیت و تعالی و توسعه، زمینه را برای رسیدن جهانیان به سعادت حقیقی، فراهم خواهد ساخت. پیامبر(ص) در حدیثی می‌فرماید: «خلفا و جانشینان من، بعد از من، دوازده نفرند که اول آنها علی و آخر آنها فرزندم مهدی است. وی زمین را با نور خداوند، روشن خواهد کرد و حکومت او در تمام زمین، در شرق و غرب، گسترش خواهد یافت». امام علی(ع) در «نهج البلاغه» در توصیف روزگار مهدی(ع) و مردمان شهر موعود اسلام می‌گوید: «هر صبح و شام، جام حکمت می‌نوشند» بدین معنا که آرمان شهر اسلام، شهر عقل و آگاهی است.

## ابونصر فارابی

در متن‌های دینی و اساطیری ایران باستان و در ادبیات پارسی آنجا که به ایران باستان پرداخته شده، از جامعه آرمانی این جهانی بسیار یاد شده است. در این بررسی، آنچه ما می‌جوییم، اندیشه آرمانی است، زیرا چنین اندیشه‌ای پژواک آزوهای نیاکان ما برای دست یابی به کمال و رستگاری بوده است. در اوج درخشش فرهنگ اسلامی، ابونصر فارابی، حکیمی فرزانه از خاور ایران، اندیشه شهر آرمانی را در کتاب خود به نام «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله» مطرح ساخت و جامعه آرمانی بر پایه اندیشه فلسفی و در قالب مفاهیم شریعت اسلامی

و حتی جوانان، بیش از معمول، از آزادی برخوردارند. آرزو، محترم شمرده می شود و مردم، کمتر مزاحم یکدیگر هستند و عقاید، کمتر سرکوب می شود. در این مدینه فاضله، تلاش برای ترکیب وجود خداگونه ماهیت انسان و تجلی انسانیترين بعد وجود او، صورت می پذیرد تا چیزی به فعلیت دراید که مزلو آن را «وجود ذاتاً نیک انسان» تلقی می کند. به عقیده مژلو، اپسایکیا، محیطی است که در آن، انسان به طور کامل، همان چیزی خواهد شد که واقعاً هست. بشر، از ابتدای خلقت تاکنون، نشان داده است که در تمام جنبه های حیات، در حال رشد و تعالی است و برای رسیدن به آن، دست به هر کاری میزند. با مرور تاریخ، متوجه می شویم که در این رهگذر، به خاطر بروز برخی انحرافات - که این جامحل بحث آن نیست - انسان از حقیقت ناب به دور مانده است و به جای پرداختن به ماهیت و هدف خلقت خود - که درک آن، با کمک گرفتن از آموزه های اصیل دینی، ممکن می شود به عقل و سلسله نفسانیات خود تکیه کرده و روز به روز از مدار حقیقی خلقت، دورتر افتاده است. چنین انسانی، با جدا شدن از این منابع واقعی، به اخترات و اکتشافاتی پرداخت که هر چند ریشه در ماهیت و سرشت انسانی داشت، اما در مسیری درست، به دست نیامده بود. بشر، خواهان بهشت موعودی است که به زیبایی در کتاب های آسمانی و از جمله قرآن، ترسیم شده است و به خاطر عدم توجه به ابزار درست رسیدن به آن، به خلق مفاهیمی روی آورد که روح عطشناک وی را ارضا کند. لذا میتوان گفت که بهشت خیالی پرداخته ذهن ناقص بشر، نسخه ای ناقص از همان بهشت موعودی است که خداوند در قرآن و معصومان(ع) در احادیث خود، وعده آن را داده‌اند؛ اما چون از روی مبانی درست و با شناخت راستین از ماهیت جهان و انسان شکل نگرفته، به خیالپردازی و سرابسرایی انجامیده است.

و سعادتی در خور آن است، دست می‌باید. فارابی و ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی به پایگاه فرد در اجتماع بر حسب سرشت و استعداد او نظر دارند و بر این باورند که اگر فرد در جامعه به کاری که طبیعت او اقتضا دارد و هر کس بر حسب سرشت و شایستگی ذاتی خویش به کاری بپردازد و سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی بر حسب شایستگی افراد تشکیل شود مدینه فاضله در زمین تحقق پیدا می‌کند.

### آرمان آرمانشهرها و چالشهای معاصر

قبل از پیدایش رنسانس فکری در غرب، اندیشمندان، به ترسیم شهری پرداخته بودند که به آن، «مدینه فاضله» گفته می‌شد. به احتمال زیاد، اولین بار، افلاطون در کتاب «جمهور» خود به طرح آن پرداخت. وی با تجزیه و تحلیل قوای درونی انسان، طرحی را ارائه میدهد که در آن، سعادت جامعه از همان طریقی حاصل میشود که سعادت فرد به دست میاید. بدین وسیله، با الهام از نیروهای درونی انسان (عقل، غصب و شهوت) که در حالت عدم افراط و تغفیط، هر کدام به عدالت منتهی میشود، به طراحی «شهر آرمانی» پرداخت. این «مدینه فاضله» با مختصاتی که از نهاد پاک آدمی الگو میگیرد، بنا نهاده شد. سپس فارابی در دو کتاب «سیاست مَدَنیَّه» و «آراءُ أهْلِ المَدِينَةِ الفاضلَةِ»، با الهام از نظرات افلاطون، شهری ایدهآل طراحی کرد که در رأس آن، رئیس فرزانه ای حکمرانی میکند. او وقتی ویژگی های این رئیس را باز میگوید، همان پیامبر یا امامی را به تصویر می کشد که نمود حقیقی یک «انسان کامل» است. فارابی، مدینهای را روبه روی ما به نمایش می گذارد که میتواند همان «آرمان شهر شیعی» یا «شهر آرمانی شیعیان در آخر الزمان» باشد. مزلو، روان شناس مشهور امریکایی، آرمان شهر دور از دسترس را که «اپسایکیا» می نامید، جایی می داند که در آن، اشخاص سالم و خودشکوفا، در هماهنگی کامل به سر می بند و با هم، به کار و زندگی مشغول اند. اپسایکیا، فرهنگی سالم، آزاد و محبت آمیز دارد که در آن، همه مردم

## آرمان شهر شیعی و آرمان شهر مهدوی

آرمان شهر شیعی، نه خیال پردازی است و نه یک سلسه نظریه پردازی های بی پایه و اساس؛ بلکه گزارشی راست از تحقیق یک پدیده واقعی در آینده است که ریشه در وحی و متون دینی دارد و آرزوی آن، در نهاد هر موجود پاک و بی آلایش می جوشد. انسانهایی به امید آن زنده‌اند و آرمان کسانی بوده است که در وهله اول، درون خود را از زنگار پلشتهایا زدند و آن را چون اینهای صاف، صیقل دادند و در وهله بعد، قدم در راه اصلاح جامعه و جهان نهادند تا مقدمه ای برای بروز آن «جهان شهر» آرمانی و پاک بی بدیل باشد.

مفad "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الَّذِينَ كُلُّهُمْ لَوْكَرَةُ الْمُشْرِكُونَ" (سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹) وعده تحلف ناپذیر الهی است؛ یعنی دین مرضی او بر همه ادیان فائق می شود و ظفرمندانه بر عالم و آدم فروع توحید می افکند، به گونه‌ای که فرزندان آدم دینی جز دین واحد نداشته باشند؛ همان دینی که پسند او باشد و چنین دینی جز اسلام نیست: "وَرَضِيَتِ لَكُمُ الْإِسْلَامَ سَدِّاً لَا يَسْتَطِعُونَ لَهُ تَقْبَأً" (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۵۱). ما با ظهور آن حضرت هر یاجوج صفت و هر ماجوج وصف یا ساکن و یا ساخت می گردد و جایی برای سدسازی با تقیه نیست. نیز آن حضرت و عده الهی را که سبب برچیده شدن آن سد می شود، بر قیام آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه و روز ظهور او تطبیق فرموده است؛ همان روزی که در آن از دشمنان خدا انتقام گرفته می شود: سَأَلَتْهُ عَنْ قَوْلِهِ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّيْ جَعَلَهُ دَكَاءً (سوره کهف، آیه ۹۸)؛ قال عليه السلام: رَفَعَ التَّنِيَّةَ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ (بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۰۷). آنچه آلهه پنداشته می شدند و ارباب متفرق بودند، خواه بت‌هایی چوبی و سنگی یا غیر آن‌ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. و بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی‌ماند، مگر در برابر تیغ عقل تسليم می‌شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می‌شود، به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند، از

## دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۴۹

یا غیر آن‌ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی‌ماند، مگر در برابر تیغ عقل تسليم می‌شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می‌شود، به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند، از

داد هر مظلوم از ظالم و جلوگیری از شکمبارگی زورگویان و گرسنگی مظلومان است، رسید که میثاق مأمور خداوند از عالمان راستین دین است.

جامعه آرمانی حضرت مهدی(عج) را میتوان از دو جهت بررسی کرد:

۱. اول، به عنوان آرمانی دوردست که باید در انتظار تحقق آن نشست؛ آرمانی که در وضع موجود بشر هیچ تأثیری ندارد. دوم، نیکشهری با تمام ویژگی‌های آرمانی آن، به عنوان الگویی واقعی برای سامان‌بخشی به وضع موجود و هدفی خارجی، که می‌تواند حرکت‌های اجتماعی ما را جهت بخشد. البته تحقق کامل این آرمان، به دست حضرت مهدی(عج) خواهد بود (قوامی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷).

اما هم‌اکنون که توفیق دست‌یابی به جامعه موعود نیست، باید تلاش کنیم با الگو قرار دادن جامعه مطلوب مهدوی، در صدد ایجاد جامعه‌ای پاک برای خویشتن باشیم.

۲. «مدینه‌های فاضله بشری مزبور، نوعی مدینه انتزاعی ارائه می‌کرند، ولی مدینه مهدوی چهره‌ای واقعی و غیرانتزاعی دارد؛ مدینه‌ای است که در آن مشارکت همکاری وجود دارد؛ چراکه انسان در وجود و بقای آن ناگزیر از مشارکت بوده و مشارکت نیازمند قانون است. «قانون گذار باید دارای ویژگی و خصوصیتی باشد که دیگران ندارند» (ملاصdra، ۱۳۸۳، ص ۳۷۹). جلوه‌ای از این مدینه را می‌توان در آراء ملاصdra مشاهده کرد. نظرات صدرالمتألهین، مدینه فاضله او را دست یافتنی قرار داده است؛ مدینه‌ای دنیایی و این‌زمانی که سبب صعود انسان به سوی خدادست (ملاصdra، ۱۳۵۴، ص ۵۶۴).

این مدینه فاضله، در سه خصیصه کمال نفسانی، زبان فصیح، و بدن قوی برای رئیس جامعه خلاصه می‌شود؛ طبق نظر او رئیس مدینه باید «انسانی باشد که نفسش کامل و در مرتبه عقل بالفعل باشد» (ملاصdra، ۱۳۵۴، ص ۵۶۲). کمال اول، برای رئیس جامعه همین است. ثانیاً، با زبان خود بتواند آنچه که می‌داند به خوبی در سخن مجسم بدارد و

این روست که دیگر زمینه‌ای برای تقیه نمی‌ماند. با برپایی حکومت عدل و حق به دست آخرین حجت خدا عجل الله تعالی فرجه نه تنها پایانی بر شرک و بتپرستی بلکه پایانی بر تجمل‌ها و تشریفات زائدی است که نه تنها راهگشای سعادت بشری نیست، رهزن اوست؛ به ویژه تشریفات و تجملاتی که راه عقل بشر را از فهم عمیق دین و عمل برطبق آن به بیراهه ظاهرگرایی منحرف می‌سازد. چرا که سعادت بشر در گرو دینداری است و تقویت دینداری، در خوب فهمیدن و درست عمل کردن و خوب حمایت کردن از دین است؛ نه تشریفاتی چون تذهیب و نوشتن متن وحی به آب طلا یا تزیین و تذهیب تجملاتی مساجد که فقهای کرام به حرمت یا کراحت آن فتوا داده‌اند، آن گونه که وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمان الهی خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ (سوره بقره، آیه ۶۳ و ۹۳؛ سوره اعراف، آیه ۱۷۱) را اخذ با قدرت فهم عقلی، ایمان قلبی و عمل بدنی معرفی می‌کند:

عن إسحاق بن عمّار و يونس قالا: سَأَلَنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ أَقْوَةٌ فِي الْأَبْدَانِ أَوْ قُوَّةٌ فِي الْقُلُوبِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيهِمَا جَمِيعًا. (المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۷). بر همین اساس است که وجود مبارک ولی عصر عجل الله تعالی فرجه برای اقامه عدل جهانی که در گرو احیای معارف الهی و تقویت عقل و ایمان بشر است، بر این تشریفات زائد خط بطلان خواهد کشید. عدل افسانی آن وجود مبارک در سخنان نورانی اهل بیت وحی و عصمت به ویژه کلام گهریار حضرت سید الشهداء، حسین بن علی علیهم السلام چنین آمده است: لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلْدِي يَمْلِهَا عَدْلًا وَقُسْطَاتٍ كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ. (كمال الدين، ج ۱، ص ۴۳۴ – ۴۳۵). از این حدیث نورانی برمی‌آید که ظهور موفور السرور امام عصر عجل الله تعالی فرجه و تشکیل حکومت عدل آفرین او از آن جهت است که جامعه بشر به آرمان آفرینش خوبی که گستردگی عدل و گرفتن

از عهده ارشاد به سعادت و کارهایی که مایه نیل به سعادت هستند، برآید. علاوه بر دو خصیصه اول، دارای توان و پایداری بدنی برای معاشرت و انجام کارهای جنگ باشد (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۳). هر یک از این سه خصیصه، برای کامل بودن نیازمند خصائص فطری زیادی هستند که صدرالممالهین، آن را در دوازده خصیصه‌ای که از مباحث دینی گرفته شده، جمع آوری می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۵۶۴).

### نتیجه گیری و جمعبندی

در طول تاریخ بشریت، رسالت اصلی انبیاء الهی بر دو محور توحید و ایجاد قسط و عدالت استوار بود. در قرآن کریم نیز کارگزار عدل گستر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ) است و یکی از اهداف برانگیخته شدن ایشان نیز همین است و در آیات و بسیاری از روایات، تحقق جامعه آرمانی و ظهور منجی مصلح مسلمانان که عدالت را در سراسر گیتی بگسترد و توحید را حاکم گرداند و عده داده شده است تارسالت جهانی نبوت را به اتمام برساند. روشن است که جامعه عدالت محور مهدوی با سایر مدنیه‌های فاضله‌ای که فیلسوفان ترسیم کرده اند تفاوت اساسی دارد؛ زیرا آنان، مدنیه فاضله را در فضای فکری خود ترسیم نموده و ایده آنان بر عقل و فکرشنان استوار است، اما جامعه عصر ظهور از دیدگاه مسلمانان استوار بر وحی و به دور از تخیلات و عقليات بشری و مبتنی بر ستی است که متصل به وحی الهی است. لذا معیارهای طراحی شهرهای ایران در آرمانشهر مهدوی شیعی عبارتند از:

۱. «عدالت»: یکی از برترین و گرامی‌ترین آرمانها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیوم الناس بالقسط<sup>۱</sup>». در آیه فوق الذکر، اولین رسالت و هدف پیامبران و کتابهای آسمانی، استقرار عدالت است. آنها نه تنها

برای چنین هدفی مبعوث شده‌اند بلکه باید برای تحقق و استقرار آن می‌باشد فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن است که هر حقی به صاحب حق داده شود و هر کس بر اساس تواناییها و استعداد و ظرفیت خویش بهره و امتیاز گیرد نه بیشتر و نه کمتر و عدول از این اصل نیز به معنای عدول از اصل حق محوری و مرتكب ظلم و تعدی شدن است. در این چهار چوب فرق نمی‌کند که صاحب حق فرد، اجتماع یا هر چیز دیگر باشد. باید بدون ستم و تجاوز حقش ضایع نگردد و به حق و حدود دیگران نیز تجاوز ننمایند. در جامعه‌ی آرمانی یا یک شهر اسلامی، محور تمام فعالیت می‌باشد معطوف به اصل عدالت و حق و عدم تجاوز و تعدی به حقوق دیگران باشد و این اصل می‌باشد در تمامی عرصه‌های زندگی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جز آن رعایت شود.

۲. «اصل توحید و خدامحوری»: در یک جامعه یا شهر آرمانی در جهان دینی، اصل توحید و خدا محوری، رکن اساسی است و خصلت اصلی شهر دینی، ایمان به اصل مذکور و پذیرش الزامات ناشی از آن است. بر اساس اصل توحید، هیچ کس و هیچ چیز جز خداوند، قابلیت و شایستگی عبادت را ندارد و هیچ چیزی جز او لیاقت اطاعت، کرنش، عبودیت و پیروی را ندارد. او تنها کسی است که شایسته و زیبند است که کمرها در مقابل کرنش خم بشوند، سرها به سجده روند و زبانها به تسبيح و ستایشش باز و اندیشه او دلها در برابر قدرتش کرنش نمایند. تمام کاینات و موجودات می‌باشد به روبیت و پروردگاری وی اعتراف نمایند.

۳. «حفظ کرامت و عزت نفس آدمی»: در یک جامعه آرمانی، انسانها دارای کرامت و عزت نفس اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیمات و سیاست‌گذار نیز با چنین باشد. چنانچه می‌دانیم، در اندیشه‌ی دینی انسان موجودی، عاقل،

وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند.

**۵. «امنیت»:** مؤلفه دیگر شهر آرمانی در اندیشه‌ی دینی، وجود «امنیت» در تمامی عرصه‌های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی آمنیت آفرین است و یکی از صفات خداوند «السلام المؤمن» می‌باشد.<sup>۱</sup> مؤمن به دلیل پاییندی به ایمان به دین، هم خود را منیت و هم امنیت بخش است. در قرآن کریم آیات متعددی بر این نکته تأکید دارد که «ایمان و پذیرش پیام الهی» امنیت بخش خواهد بود و به مردم می‌گوید به خدا ایمان بیاورید و عبادت کنید او را تا از خوف و ترس و وحشت در امان باشید. از این رو باید گفت که یکی از سرچشمه‌ای اصلی امنیت و ناامنی، ایمان و عدم ایمان به خداوند است. ایمان به وی برای انسان ایجاد آرامش، امنیت و دلگرمی می‌کند و در مقابل نفسی و رد آن سایه ترس، خوف و وحشت و هولناکی است. ایمان به خدا و یادآوری ذکر وی چنان‌چه قرآن می‌فرماید، مایه‌ی آرامش و اطمینان است.<sup>۲</sup>

**۶. «اصل مسؤولیت و عطوفت به طبیعت»:** در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف هیچ فردی حق سلب این حقوق از آدمی را ندارد، حضرت در این باره می‌فرماید: «ای مردم، حضرت آدم نه بنده‌ای ترسید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لکن خداوند تدبیر و اداره‌ی بعضی از شما را بر بعضی دیگر سپرده است.<sup>۳</sup> در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفه‌ای شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی‌حد

مخترار، شریف و ب Roxوردار از کرامت، است. کرامت انسانی برترین گوهری است که خداوند تبارک و تعالی به انسان ارزانی داشت و به عین آن- انسان را از دیگر موجودات خود برتر و متمایز ساخت. عنصری که بر اساس آن انسان از سایر موجودات برتری یافت و تمام فرشتگان مأمور شدند که در برابر این کرامت کرنش کنند و او را بزرگوار و خود را خوار نمایند.<sup>۴</sup> در هر صورت فرشتگان مأمور شدند که در راه گاه الهی رانده شد و به سبب تکبرش، دشمن خدا گردید.<sup>۵</sup> گرچه انسان اولیه به دلیل سرپیچی از فرمان خدا، از فردوس بربین هبوط کرد و به سوی زمین رانده شد. اما همچنان گوهر ارزشمند کرامت الهی را با خود داشت و با آن پا به جهان مادی گذاشت.

**۴. «آزادی و برابری»:** در آرمان‌شهر اسلامی، انسانها بنابر اصل توحید «آزاد و برابر» آفریده شده‌اند تمامی انسانها آفریده خداوند و وی انسانها را «برابر و آزاد» خلق نموده است. انسانها از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نمی‌باشند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احیاناً عده‌ای خویش را مستحق فرمانبرداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی و برابری انسانها وسیله‌ای فطری و الهی است و ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد و آدم نه بنده‌ای ترسید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لکن خداوند تدبیر و اداره‌ی بعضی از شما را بر بعضی دیگر سپرده است.<sup>۳</sup> در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفه‌ای شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی

۱. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، (تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۸)، خطبه ۱، صفحه ۵ و بقره / ۳۴

۲. همان خطبه ۱۹۲، صفحه ۲۱۱ و ۲۱۰

۳. محمد تقی جعفری، «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، (تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۶۹)، صفحه ۳۵۱

۴. حشر / ۲۳

۵. الا بذكر الله تطمئن القلوب

شهر آرمانی، شهر نظم و هماهنگی تصور شده است. شهری که مرجع هر عملی چه قانون و چه سنت تصور شود، باید هماهنگ و همانند با شهر وندان تصور گردد.

**۴. «ایستایی و پایداری در ساختار شهری»:** آرمان شهر تصویری از کمال مطلق تصور شده است و حرکت از کامل به کامل از دیدگاه منطق شدنی نیست. از این رو، دولت آرمانی دگرگونی نمی‌پذیرد و اگر بپذیرد به سوی نقص فرض می‌شود.

در عین حال باید گفت که آرمان شهر غربی در جستجوی همه ابعاد در عالم مادی و بطور کامل تر در مقام مصدق «غار افلاطونی»<sup>۱</sup> است. در این تمثیل، عروج ذهن از بخش‌های پایین خط به بخش‌های بالاتر، پیشرفتی شناخت‌شناسی است و ذهن در جریان مستمری از تکامل، از حالت شناخت نابسنده به شناخت کافی دست می‌یابد. مراتب شناخت در معرفت‌شناسی افلاطون، متناظر با مراتب عالم وجود است. عالم وجود به دو مرتبه تقسیم می‌شود: عالم محسوس(دوکساستا) که مشتمل بر تصاویر و اشباح و نیازشی‌ای محسوس است، و عالم معقول(نوئتا) که

مشتمل بر ریاضیات یعنی صور واسطه و نیز مثل و مبادی اولیه است. شناسایی نیز به همین منوال، بر دو قسم است: گمان و ظن(دوکسا) و معرفت(اپیستمه). گمانی که به تصاویر و سایه‌ها تعلق می‌گیرد، پندار یا خیال (ایکازیا) نامیده می‌شود، و گمان متعلق به

و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قایل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا و دیگر مخلوقات و دیگر انسانها می‌بیند. در عصر تجدد، طبیعت به مثابه‌ی دشمن انسان رسمیت یافت و بشر وظیفه خود دانست تا در آن دخل و تصرف نماید و آنرا زیر چنگال سلطه‌آمیز خویش قرار داد. انسان با خصوصی وصف ناپذیر جهان را عرصه تاخت و تاز ارض اغایز خویش ساخت بدون آنکه به عواقب چنین عمل خودسرانه‌ای بیندیشد. بر اساس آنچه در مقاله گفته شد، ویژگی‌های زیر را در مقایسه بین آرمان شهرها در مکاتب و جریانهای فکری مختلف می‌توان بر شمرد:

**۱. «معرفت‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی معرفت»:** طرح‌های آرمان شهری تصویری واژگونه از نظام‌های موجود و در عین حال، محصول فرهنگ‌های گوناگون بر اساس اقتضای زمانی و مکانی بوده است.

**۲. «برابری و عدالت اجتماعی»:** در تمامی آرمان شهرها بر بحث برابری اجتماعی اقتشار اجتماع تاکید شده است.

**۳. «نظم و هماهنگی در سیستم‌های شهری»:** جدای از مفهوم سیستم‌های شهری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید گفت که

افلاطون فیلسوف شهر یونان باستان، دو نظریه معروف دارد، یکی در باب معرفت‌شناسی و دیگری در باب هستی‌شناسی. وی در قلمرو هستی‌شناسی قائل به وجود مجردات عقلی است که آنها را ایده یا مثال می‌نامد، و در دایره معرفت‌شناسی، معرفت حقیقی را، علم به مُثُل می‌داند. او این دو دیدگاه خود را به وسیله تمثیل مشهور غار در کتاب هفت محاوره جمهوری شرح بیشتر داده و آن را روشن ساخته است. افلاطون از ما می‌خواهد یک غار زیر زمینی را تصور نماییم که دهانه‌ای به طرف روشنایی دارد. در این غار، مردمی را از آغاز کودکی، روی به دیوار و پشت به ورودی غار، زندانی کرده‌اند، اند و طوری با زنجیر بسته شده‌اند که ناچارند همواره روی خود را بتگرنند، و هرگز نور خورشید را ننده‌اند. در بیرون غار، به فاصله‌ای دور، آتشی روشن است که پرتو آن به درون غار می‌تابد و میان آتش و زندانیان، راهی بر بلندی وجود دارد و در طول راه، دیواری کوتاه هست. در سراسر این راه و پشت دیوار، عده‌ای پیکره‌های انسان و حیوان و چیزهای دیگر را با خود حمل می‌کنند به طوری که همه آن اشیاء از بالای دیوار پیدا شوند و بعضی از افزایاد در حال رفت و آمد با یک دیگر سخن می‌گویند. زندانیان که رویشان به دیوار درونی غار است، نمی‌توانند یک دیگر و چیزهای پشت سرشان را ببینند، اما سایه‌های خود و یاشه‌های اشیائی را که روی دیوار غار افتاده است، می‌بینند. آنها فقط سایه‌ها را می‌بینند، سخنانی را هم که می‌شنوند، گفت و شنود سایه‌ها با یک دیگر می‌انگارند. این زندانیان، نماینده اکثریت نوع بشرند که زندگی خود را در حالت خیال و پندار می‌گذرانند و تنها سایه‌های واقعیت را می‌بینند، به علاوه این که اگر ناگهان آزاد شوند و به آنها گفته شود که به واقعیاتی که قبل از سایه‌های آنها را دیده‌اند، نظر افکنید، به علت درخشندگی زیاد نور کور می‌شوند، و می‌پندارند که سایه‌ها، بسیار واقعی تر از واقعیت هاست.

- ایران.
- (۱۸۹۰)، الجمیع بین رأیی الحکیمین، بی جا، الزهرا.
- (۱۹۸۰)، قوانین، ترجمه حنا خباز، بیروت، دارالقلم.
- «پاسخگویی رمز حکومت عدل مهدوی» (۱۳۸۲)، انتظار، ش ۱۴، ص ۲۳۵.
- آرتور، کریستین (۱۲۶۷) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید قاسمی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ارسطو (۱۳۵۸)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، بی جا، آموزش انقلاب اسلامی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۴) اندیشه اجتماعی متغیران مسلمان (از فارابی تا ابن خلدون)، انتشارات سروش، تهران.
- استعلامی، محمد (۱۳۷۹) متن و تعلیقات مثنوی، دفتر دوم، کتابفروشی زوار، تهران.
- اصیل، حجت الله (۱۳۸۱) آرمان شهر در اندیشه ایرانی، ویرایش دوم، نشر نی، تهران.
- افلاطون (۱۳۶۰) جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اکبرنژاد، مهدی (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و سنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بهار، مهرداد (۱۳۵۷) گنج در و سیاوشگرد، شاهنامه شناسی، بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران.
- پازارگاد، بهاءالدین (۱۳۵۹) تاریخ فلسفه سیاسی، تهران، کتابفروشی زوار.
- پوچی، فرانکو (۱۳۷۷) تکوین دولت مدرن، ترجمه بهزاد باشی، نشر آگه، تهران.
- پیش، میکل (۱۳۸۳) فرهنگ اندیشه انتقادی (از روش‌نگری تا پسامدریته) ویراسته ترجمه پیام بیزانخواه، نشر مرکز.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۶۹) «حکمت اصل سیاسی اسلام: ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر»، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، تهران.
- اشیای محسوس، عقیده (پیستیس) خوانده می‌شود. اما معرفت متعلق به امور ریاضی را تعقل یا استدلال عقلی (دیانویا) و معرفت به مثل را علم (نوئزیس) می‌خوانند. طبق تشبیه غار، فرآیند تکامل معرفتی بشر از پایین ترین مرتبه یعنی پندار و خیال شروع شده، به عقیده، سپس به تعقل و در نهایت به علم می‌رسد. لذا می‌توان گفت که آرمانشهر غربی چند ویژگی قابل توجه دارد:
۱. در آرمانشهر غربی تقریباً دین و خدا غایب‌اند، چراکه این دو ناتوانی بشر را جلوه می‌دهند و این موضوع خوشایند انسان در یک زندگی آرمانی نیست.
  ۲. در امان بودن از محیط پیرامونی به هر نحوی، حتی اگر باید عدم تماس با خارج گردد، از دیگر مفهوم آرمانشهری در مفهوم غربی آن است.
  ۳. ضرورت عقلی در مدینه فاضله غربی جای خودآگاهی و اختیار و تفکر دینی را گرفته است؛ و
  ۴. معماری چنین ساختاری باید شرایط یکسان و برابری را برای انسانها بوجود آورد تا اصل برابری رعایت گردد و لذا از لحاظ شکل ظاهر نمونه و خلاصه کل عالم است و اهل آن نیازی به عالم خارج نداشته و ندارند.
- ### منابع و مأخذ
- (۱۳۵۴)، المبدأ و المعاد، مقدمه و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران انجمن حکمت و فلسفه.
- (۱۳۶۰)، شناخت از دیدگاه علمی و دیدگاه قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۳۶۱)، حیات معقول، بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، اصفهان، بنیاد انتقال به معارف اسلامی.
- (۱۳۷۳)، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی، تهران، انتشارات اسلامی.
- (۱۳۷۹)، ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- (۱۴۰۱ق) اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه جعفر سجادی، چ دوم، تهران، زبان و فرهنگ

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۹ تابستان ۹۴  
No.39 Summer 2015

۵۵

- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*، تهران، قومس.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- علامه طباطبائی (۱۳۶۳) «*تفسیر المیزان*»، ترجمه سید باقر موسوی، تهران.
- عنایت، حمید (بی‌تا)، *بنیاد فلسفه سیاسی در غرب*، تهران، دانشگاه تهران.
- فارابی (۱۳۵۸) *سیاست مَدَنیَّة*، ترجمه جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۶) *السیاسه المدینه*، ترجمه حسن ملک شاهی- سروش، تهران.
- فلسفه تاریخ، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۰.
- فولکیه، پل (۱۳۷۰)، *فلسفه عمومی یا مابعد الطبیعه*، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، دانشگاه تهران.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (بی‌تا)، *ینابیع الموده*، قم، مکتبه محمدی.
- قومی، سیدصمصام الدین، «*مدیریت، عدالت، مهدویت*» (۱۳۸۳)، *انتظار*، ش ۱۴، ص ۱۸۷.
- کریستین (۱۳۵۵) کیانیان، ترجمه ذبیح ا... صفا، چاپ چهارم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- کاپلستون، فردیک (۱۳۷۵)، *تاریخ فلسفه*، سیدجلال الدین مجتبوی، تهران، سروش.
- کرینستون، جولیوس (۱۳۷۷)، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کلینی، محمدمبن یعقوب (۱۳۸۸) *اصول کافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گرت جونز (۱۳۸۴) *ماکجا آباد: مسائل امروز در عصر جهانی*، مترجم: عبد الحسین آذرنگ، تهران: سخن.
- لین تونی (۱۳۸۰)، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، فروزان روز.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶) *تئوری شکل خوب شهر*، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱) *سیمای شهر*، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ جعفری، محمدتقی (۱۳۶۵)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جمعی از محققان (۱۴۱۱ق)، *معجم احادیث الامام المهدي*، قم، موسسه معارف اسلامی.
- جمعی از نویسندهای (۱۳۷۸)، *چشم به راه مهدی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جهانگیری، محسن (۱۳۶۹)، *احوال و آثار و آراء فرانسیس بیکن*، تهران، علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *امام مهدی موجود*، موعود، قم، اسراء.
- جوادی، محسن (۱۳۸۶)، *نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن*، قم، معارف.
- حائری، محمدمهدی (۱۳۸۳) «*آثار فردی و اجتماعی عدالت مهدوی*»، *انتظار*، ش ۱۴، ص ۲۱۹.
- حسینی، سید هادی و محمد میره (۱۳۵۷) *شهر و شهروندی در اندیشه فارابی*، *فصلنامه فارابی*، *فصلنامه مسکن و انقلاب* شماره ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۷.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) *اجتماع و اجتماع پذیری فلسفه مدنی فارابی*، *انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر*, تهران.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۵۴) *فلسفه مدنی فارابی*، *انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر*, تهران.
- روویون، فردیک (۱۳۸۵) *آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب*, مترجم: عباس باقری، تهران: نی.
- سیاست مَدَنیَّه، ابونصر فارابی، مترجم: سید جعفر سجادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- شوای، فرانسواز (۱۳۷۵) *شهرسازی: تخیلات، واقعیات، ترجمه دکتر سید محسن حبیبی*, *انتشارات دانشگاه تهران*.
- صاحبی، محمد جواد (۱۳۸۲) *جهانی شدن و دین: فرست ها و چالش ها* (مجموعه مقالات چهارمین کنگره دین پژوهان), احیاگران.
- صفی گلپایگانی (بی‌تا)، *منتخب الاشر، چ هفتم*, تهران، مکتبه الصدر.
- صدقی، محمدبن علی (۱۴۱۶)، *كمال الدين و تمام النعمه*, قم، نشر اسلامی.

دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹ق)، بحار الانوار الجامعه  
لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، المكتبه الاسلاميه.

محسنی کبیر، ذبیح الله (۱۳۷۶) مهدی(ع) آخرين  
سفیر انقلاب، تهران: دانشوران.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، ج پنجم، قم،  
صدر.

مفید، محمدبن محمد (۱۳۰۸)، الارشاد، بیجا،  
بینا.

ملاصدرا (صدرالدين محمدبن ابراهیم شیرازی)  
(۱۳۸۳)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه،  
تصحیح محمد خامنه‌ای و غلامرضا اعوانی، تهران،  
بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

موحدیان عطار، علی (۱۳۸۸)، گونه‌شناسی اندیشه  
منجی در ادیان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

مور، تامس (۱۳۶۱) آرمانشهر، ترجمه داریوش  
آشوری، خوارزمی، تهران.

موریس، جیمز (۱۳۷۴) تاریخ شکل شهر، ترجمه  
راضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران،  
تهران.

موسوی اصفهانی، محمد تقی، (۱۳۸۱)، مکیال  
المکارم فی فوائد الدعا للقائم، قم، ایران نگین.  
نامدار طالشانی، مظفر (۱۳۸۵) حکمت آرمانی و نظام  
شناخت عقلانی سیاست، وزارت علوم و تحقیقات و  
فناوری: گروه تحقیقات سیاسی علوم (پایان نامه  
دکتری).

نامی النجار (۱۴۰۶) جزیره خضراء و تحقیق پیرامون  
مثلث برمودا، ترجمه و تحقیق علی اکبر مهدی پور،  
چاپ سوم، انتشارات نصر.

نظمی گنجوی (بی تا) بهرام نامه، به کوشش وحید  
دستگردی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران.

نهج البلاغه (۱۳۷۸) ترجمه جعفر شهیدی، انتشارات  
علمی فرهنگی، چاپ پانزدهم، تهران.